

معرفیهای اجمالی

محققان، نویسندگان، مترجمان، ناشران و مراکز تحقیقی که مایلند آثارشان در بخش «تازه‌های نگارش و نشر» معرفی شود، یک نسخه از هر اثر تازه خود را به دفتر مجله بفرستند.

حافظیات: مجموعه مقالات درباره حافظ

علیرضا ذکاوتی قراگزلو.

(همدان، شرکت

انتشارات مسلم،

۱۳۷۰). ۳۰۸ ص،

تاریخ

حافظ پژوهی به معنای

شناسایی و شناساندن حافظ

و اندیشه‌های او و فحوص و

بحث در چگونگی هنر و

حافظیات

مجموعه مقالات درباره حافظ

علیرضا ذکاوتی

تاریخ

است: کارنامه حافظ شناسی معاصر ایران «پربرگ» است؛ اما «پربر» نیست. (حافظ شناسی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۱۵). یعنی هنوز درباره اندیشه و شخصیت حافظ و اثر جاودانه اش می‌توان سخن گفت و پژوهش‌های دیگری سامان داد و زوایای ناشناخته‌ای را شناساند. (برخی از این زمینه‌های ناشناخته‌ای که هم‌ت پژوهشیان را می‌طلبد، در اقتراح از استادان آمده است.

ر. ک: کیهان فرهنگی، سال پنجم، شماره ۵، ص ۳۱).

آنچه اینک به معرفی کوتاه آن می‌پردازیم، مقالاتی است درباره حافظ و غالباً در زمینه‌هایی که جای سخن داشته و نگارش این مقالات تکرار مکررات نبوده است.

ویژگی دیگر این اثر، گزیده نگاری و وزیده گویی مؤلف است. ذکاوتی را جامعه علمی و ادبی ما افزون بر آثار ترجمه‌ای و تألیفیش با مقالات پخته و ارزنده‌ی در

مجله‌های علمی کشور می‌شناسد و با دقت و استوارنگاری او آشناست. از این روی بی‌گمان جامعه علمی ما از نشر یک‌جای مجموعه‌ای از آثار وی که به

زمینه‌ای خاص ارتباط دارد؛ خرسند خواهد بود. کتاب با یادداشت کوتاهی آغاز می‌شود و با بخش اول ادامه می‌یابد که شامل پاسخ چند پرسش است در مورد حافظ.

سپس مقاله خواندنی «چشم انداز پاره‌ای از ناهمواریها در

طبع او و نیز گستراندن آثار وی، توان گفت که سابقه اش به عصر حافظ می‌رسد. اکنون صدها کتاب و مقاله در

میان مجموعه‌های مدون فرهنگ اسلامی ایرانی توان یافت که از منظرهای گوناگون به شخصیت و اندیشه

حافظ نگریسته‌اند. (ر. ک: کتابشناسی حافظ از مهرداد نیکنام؛ حافظ پژوهان و حافظ پژوهی از ابوالقاسم رادفر؛

رونق بازار حافظ شناسی از بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب چهارده روایت؛ مقاله شناسی برای حافظ شناسی در

کتاب حافظ شناسی، ج ۵، ص ۲۰۵؛ حافظ شناسی در شبه قاره هند در کتاب اخیر الذکر، ج ۶، ص ۲۱۶).

با این همه حافظ پژوهی زبده گوی و سخت‌کوش گفته

شعر حافظ آمده که نشانی است از هوشمندی و یکسویه نیندیشیدن درباره حافظ و بلندبها و والایها را با ناهمواریها یک جا دیدن. بخش دوم با سه مقاله از تأثر حافظ از شاعران پیشین سخن گفته است. در بخش سوم با پنج مقاله، همگونیها و جداگونگیهای حافظ را با چندتن از عارفان و شاعران برنموده و تأثر حافظ را از آنان نشان داده است. عناوین این مقالات چنین است: ابن عربی شاعر و حافظ عارف (که عنوانی است لطیف و اندیشه برانگیز)، حافظ و ابن فارض، از روزبهان تا حافظ، شمس الدین محمد تبریزی و شمس الدین محمد شیرازی، قلندرانه های سعدی و حافظ. در بخش چهارم با سه مقاله و پاسخ به یک نقد، نگاهی به اعتقاد و مسلک حافظ و نیز مراحل سیر و سلوک در شعر حافظ افکنده شده است. مقاله اول تحت عنوان حافظ در میان هفتاد و دو ملت، ضمن نشان دادن داوریهای وابستگان جریانهای گوناگون درباره حافظ و وابسته دانستن به آن جریانها و مکتبها و مسلکها، زمینه این داوریه را در شعر حافظ کاویده است. این مقاله آکنده است از آگاهیهای سودمند درباره فرهنگها، اندیشهها، فرقه ها و مسلکهای مختلف. در پایان کتاب، متنی است ویراسته از «تفسیری شیعی از یک غزل حافظ». و سرانجام با فهرست راهنما، کتاب پایان داده شده است.

برخی از این مقالات پیشتر در مجله های علمی نشر یافته که بدانها اشاره شده است. اما مقالاتی از آن برای اولین بار است که نشر می آید؛ مانند مقاله «چشم انداز پاره ای از ناهمواریها در شعر حافظ»، «اشاره ای به مراحل سلوک در شعر حافظ» و مقالات نشر شده نیز بازنگری شده و افزونیهایی یافته اند که برای نمونه به مقاله پاسخ چند پرسش در مورد حافظ (ص ۱۰) می توان اشاره کرد. این مجموعه گویا همه «حافظیات» جناب ذکاوتی نباشد. چه، از جمله مقالات برجای مانده از ایشان، یکی

مقاله «کتاب پربرگ و بار در حافظ پژوهی» است که در معرفی کتاب خوب و گرانتقدر «حافظ نامه» است. (ر. ک: کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره پنجم، ص ۴۲). و دیگر نقد و نظری است بر حافظ نامه (ر. ک: حافظ نامه، چاپ سوم، ص ۱۴۱۱) که در مستدرکات حافظ نامه نیامده است. نمی دانم آیا باز هم از جناب ذکاوتی در این باب مقالاتی در جای دیگر نشر یافته است یا نه؟ این دورا که یاد کردم، شاید از باب اینکه نقد کتابی درباره حافظ بوده است و نه مستقیماً درباره خود حافظ و افکار او، در کتاب حاضر آورده نشده است. اما روشن است که به هر حال در نقد اظهار نظرهایی است درباره حافظ و اگر جناب ذکاوتی آنها را نیز بر این کتاب می افزودند، اثر «پر بار» ایشان «پربرگ» نیز می شد.

نکته آخر اینکه این کتاب در همدان و به همت ناشری در آن دیار نشر یافته است. و گسواتیکه چشم نوازی و زیبایی کتابهای مرکز را ندارد، اما تلاشی است ستودنی و باید به ناشر دست مریزاد گفت و از مسؤولان فرهنگی کشور خواست که ناشران شهرها را با در اختیار نهادن امکانات، بنوازند. باشد که از این رهگذر، از یکسوی در جهت رشد فرهنگ شهرها بکوشند و از سوی دیگر محققان آن دیارها را یاری رسانند.

درآمدی بر علوم قرآنی

درآمدی بر علوم قرآنی

دکتر محمدرضا صالحی کرمانی

محمدرضا صالحی کرمانی. (تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹). ۲۸۴ ص، وزیری. بخش عظیمی از تحقیقات دانشمندان اسلامی درباره قرآن را کتابها و پژوهشهایی تشکیل می دهد که از آنها با

عنوان علوم قرآن یاد می‌شود. در این گونه آثار، از مباحثی چون نزول قرآن، جمع و ترتیب و اعجاز آن، مشخصات سوره‌ها، و نیز قرائت و تفسیر و... سخن می‌رود. غالباً مباحث این گونه آثار بدون نظم و ترتیب ویژه‌ای در کنار هم آمده‌اند. مشهورترین این آثار، مانند البرهان فی علوم القرآن و یا الانتقان فی علوم القرآن را اگر بدقت بنگریم، در خواهیم یافت که تهی از هرگونه نظم و ترتیب منطقی است. کتاب آقای صالحی را دست کم در فارسی باید از معدود آثاری دانست که در جهت نظم منطقی بخشیدن به مبحث علوم قرآنی کوشیده است. مؤلف در مقدمه آن نوشته‌اند:

در این کتاب کوشش شده است تا مطالب متفرق و پراکنده‌ای که در کتابهای علوم قرآنی به صورتی غیر متدبیک مطرح شده است، با نگرشی فلسفی به صورتی منظم و طبقه‌بندی شده طرح شود.

کتاب مزبور پس از مقدمه‌ای کوتاه، با فصل اول ادامه می‌یابد که عهده‌دار تبیین و توضیح عنوان «علوم قرآنی» است و در ضمن آن از تعریف علم، نقش موضوع در علم، تعریف علوم قرآنی، تمایز علوم قرآنی، معیار وحدت در علوم قرآنی، و روش تحقیق در علوم قرآنی سخن رفته است. در فصل دوم از مبادی علوم قرآنی بحث شده و با دقت تمام، مرز بین «مبادی» و «مسائل» روشن شده و با ترسیم نموداری، مبادی روش‌شناسانه، مبادی تاریخی، مبادی تصویری و تصدیقیه و مبادی اثباتیه علوم قرآنی معرفی شده است. در فصل سوم با گزیده‌گویی و استواری در خور توجهی، از طبقه‌بندی علوم قرآنی و معیار طبقه‌بندی در علوم اعتباری و سپس در علوم قرآنی سخن رفته است. فصل چهارم عهده‌دار تبیین روش تحقیق در علوم قرآنی است که با ارزیابی روشهای حسی و عقلی، چگونگی روش پژوهش در علوم قرآنی، روشن شده است. در فصل پنجم کتاب از علم تفسیر

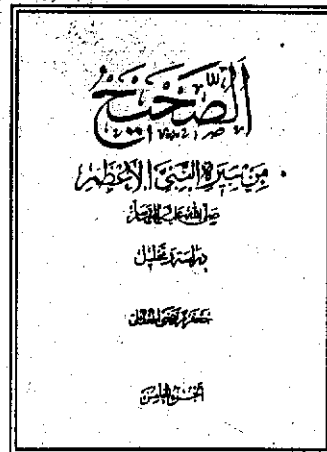
بحث شده و در ادامه آن از پیامبر - ص - به عنوان بنیانگذار تفسیر، مفسران صدر اسلام، تابعین و مؤلفان تفسیری، یاد شده است. فصل ششم با عنوان تاریخ قرآن، از مباحثی چون نزول قرآن، معنای نزول، نخستین و آخرین آیه، روایات شأن نزول، ترتیب سوره، مکی و مدنی بودن آیات و جمع آوری قرآن، بحث شده است. در فصل هفتم از علم تجوید سخن رفته و در ضمن آن به مبحث مهم حروف مقطعه در قرآن، به اجمال رسیدگی شده است. در فصل نهم از کلمات قرآن بحث شده و در ادامه آن، هوشمندانه سخن از معنی شناسی به میان آمده و با دقت یاد آوردی شده است، که «اشکالات معنی شناسی درباره لغاتی که معانی آنها از حریم انس و عادت و حس و ماده بدور است، بسیار عظیم تر است.» (ص ۱۵۹). آنگاه مشکل مفسر در تبیین و تفسیر واژه‌های قرآنی مطرح گردیده است و مسائل شایان توجهی در این زمینه آمده است. فصل دهم عهده‌دار تبیین معنای تفسیر، موضوع و فایده آن و روش تفسیر است. در این فصل، هدف تفسیر بازشناسی شده و با توجه به تحوّل زبان و عوامل تحولات الفاظ و نقش آن در بازشناسی متون، به عنوان نمونه از واژه «الله» و سیر تحوّل آن بحث شده است. در فصلهای بعدی از کلمات کلیدی قرآن و چگونگی معجزه بودن آن، و سرانجام فایده علوم قرآنی و مبادی تصدیقیه و اثباتیه آن بحث شده است. کتاب حاضر بر روی هم، اثری خواندنی و سودمند است.

الصحيح من سيرة النبي الأعظم

جعفر مرتضی‌عاملی. (قم، بی‌نا، ۱۴۱۲)، جزء پنجم و ششم، ۲۴۲+۳۸۹ ص، وزیری.

ثبت و ضبط وقایع مربوط به زندگانی رسول الله - ص - که پیشینه بسیار کهنی دارد، همواره مورد توجه مورخان، محدثان و عالمان بوده است. اکنون صدها

کتاب و مقاله توان یافت که از نگاههای گونه گون به ابعاد زندگانی آن بزرگوار پرداخته اند. با این همه، منابع اصلی و مصادر اولیه تمامت این پژوهشها اگر در دایره نقد ریخته شود، دانسته



خواهد شد که گاه فرایند ناصواب این پژوهشها، بر اساس نااستوار برخی از آن منابع پیشین بوده است. از این روی، نقد و تمحیص متون کهن تاریخی بسیار ضروری است و اگر این مهم بدقت صورت پذیرد، روشن خواهد شد که دستهای پیدا و ناپیدا چه دگرگونیهای شگفتی در شکل دهی و گزارش حوادث روا داشته اند. کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم، در این زمینه گام بلندی است. جلد اول و دوم این کتاب، دوازده سال پیش منتشر گردید و با استقبال محققان و اندیشوران مواجه شد. اکنون جلد پنجم و ششم آن منتشر شده که ادامه بحث از حوادث نبرد خندق است و پایان آن غزوه بنی النضیر. استاد سید جعفر مرتضی عاملی، در تمام فصول کتاب با نگرش نقادانه پیش رفته و برای بازشناسی حوادث تاریخی صدر اسلامی، دهها منبع تاریخی تفسیری، حدیثی و ... را کاویده و با سنجش و مقارنه نقلها و بازنگری اسناد در پرتو آگاهیهای رجالی و حدیث شناسی، غبار از چهره حوادث فراوانی سترده است.

بهره گیری از نصوص بسیاری که در کتب مشهور سیره نیامده است، اما از منابع مهم و اصیل نگارش سیره تواند بود، از جمله برجستگیهای این مجموعه است. نقد و بررسی جریان فضیلت سازی درباره چهره های تاریخی و برکشیدن عناصری و در مقابل، فرودست انگاشتن چهره های دیگر - که متأسفانه قصه پر غصه تاریخ است -

نیز در این مجموعه خواندنی و تنبیه آفرین است. در مجموعه این شش جلد کتاب، حوادث، فضیلتها، گزارشها و نقلهای فراوانی به دایره نقد ریخته شده، و بی پایگی آنها روشن گردیده و یا پیرایه های بسته شده درباره آنها زدوده شده است. در مثل، مباحث ذیل در کتاب حاضر بدقت مورد کاوش قرار گرفته است: اسلام آوردن عبدالله بن سلام، شرکت عثمان در ساختن مسجد، تشریح اذان، روایت صوم عاشورا، کنیه ابوتراب، موضع پیامبر درباره اسرای بدر، خمس از نگاه تاریخی و آثار فقهی آن، وفات زقیه دختر پیامبر و اکاذیب بسته شده بر این حادثه، تحریم خمر و تدریجی نبودن آن، خواستگاری امام علی - ع. از دختر ابوجهل، زمان معراج پیامبر، نقد حدیث «پیامبر یتیم قریش»، نقد گزارش استلام اصنام، تاریخ اسلام آوردن ابوبکر، نقد و بررسی روایات روزهای نخستین پیامبر و اثبات بی پایگی آنها، چهره نمایی فراریان از نبرد احد، شأن نزول سوره عبس، اسلام آوردن خلیفه دوم، چگونگی واژه «صدیق» و اطلاق آن به خلیفه اول، نقد فضایل زیدبن ثابت، نقد و بررسی «سریة الرجیع»، وضع تاریخ هجری توسط رسول خدا و ...

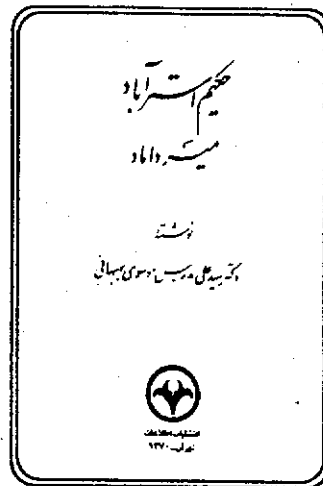
گزیده سخن آنکه کتاب یاد شده، اثری است آکنده از تحقیقات تاریخی و پژوهشهای رجالی و نمونه ای است عینی از تحقیقی گسترده و مستند و استوار.

مؤلف به مناسبتهایی، استطرادهای فراوانی در کتاب دارد که این بحثهای جنبی در سیر بحث، گاه ضروری می نموده است و برای روشن ساختن برخی حوادث و آماده ساختن زمینه در نتیجه گیری از حقایق تاریخی، الزامی بوده است. اما گاه، رشته بحث را گسسته و خواننده را از پیگیری مسلسل حوادث باز داشته است. اگر جناب جعفر مرتضی عاملی همت کنند و این سیره را با همین شیوه به فرجام رسانند، می توان گفت پایه و

مایه شایسته‌ای برای نگارش شرح حالی مستند و استوار فراهم آمده است، افزون بر این، تلخیص کتاب و عرضه اثری پیرامسته و به دور از بحث‌های طولانی بر اساس این مجموعه، کاری است مهم و معتنا به که امید می‌رود زیر نظر استاد انجام پذیرد.

حکیم استرآباد: میرداماد

سید علی موسوی مدرس بهبهانی. (تهران)، انتشارات اطلاعات، (۱۳۷۰). ۳۸۳ص، وزیری. حکیم، فیلسوف، فقیه، محدث و مفسر بزرگ، سید محمدباقر فندرسکی استرآبادی،



معروف به میرداماد، از قلّه‌های بلند فرهنگ تشیع و از چهره‌های کم نظیر آن است. استاد علامه سید جلال الدین آشتیانی درباره وی نوشته‌اند:

از اعظم حکمای شیعه به شمار می‌رود که علاوه بر تبحر در فلسفه الهی و طبیعی و فنون ریاضی و انواع و اقسام آن و طب مرسوم آن عصر، در علوم فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر، از مجتهدین بزرگ عصر خود بوده و در فنون ادبی کم نظیر است... در جلالت قدر او همین بس که استاد صدرالمسألّهین است و صدرالمسألّهین او را بزرگترین فیلسوف و فقیه و از راسخان در علم می‌داند. (منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۴۰۴)

شرح حال و سوانح زندگانی او در منابع و مصادر بسیاری آمده است؛ اما تاکنون کتابی درخور شخصیت آن

فیلسوف بزرگ که تمام ابعاد شخصیت او را کاویده و احوال و آثار آن بزرگوار را نمایانده باشد، به قلم نیامده بود.

اکنون آقای دکتر سید علی موسوی بهبهانی از پس سالها تلاش و تحقیق، حاصل مطالعات خود را درباره میرداماد در یک کتاب مستقل عرضه کرده و اثری ستودنی و خواندنی فراهم آورده است. کتاب حاضر در یک مقدمه و پنج بخش سامان یافته است. در مقدمه از اوضاع سیاسی، فرهنگی و دینی قبل از صفویه و دوره صفویان سخن رفته و در بخش اول، زندگی میرداماد بررسی شده است. بخش دوم بحثی است از سیر تفکر فلسفی از آغاز تا میرداماد که در ضمن آن از تأثیر و تأثرها در فکر و دانش عرب، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی و اهمیت کار شیعه در فلسفه اسلامی، بحث شده است. بخش سوم، گزارشی از آثار میرداماد است که ابتدا فهرست الفبایی آنها آمده است و سپس فهرست تفصیلی و کتابشناسی تحلیلی آنها. در بخش چهارم - که آن را اساسی ترین بخش کتاب توان شمرد - به نقد و بررسی عقاید و آراء خاص محقق داماد پرداخته شده و در ضمن آن، دیدگاه وی درباره وجود جوهری، مسأله خلق اعمال، بدا، وجود، کیفیت خلق و ایجاد جهان و... نقد و بررسی شده است. بخش پنجم، تحلیل و بررسی گسترده و عالمانه پنج کتاب از مهمترین آثار محقق داماد است که می‌توان از آن به عنوان نمونه روشن کتابشناسی تحلیلی و دقیق یاد کرد.

آقای بهبهانی در این نقد و بررسی، مطالب جنبی مهمی را نیز آورده است؛ در مثل ضمن شرح حال میرداماد، شرح حال و آثار و آراء استادان و شاگردان وی نیز گزارش شده و از سبک نگارش وی و چگونگی تعلیم و تعلم در آن روزگار بهقت سخن رفته است. در نگارش کتاب، گواینکه مؤلف از هر آنچه درباره

میرداماد نگاشته شده، غافل نبوده و تمامت آنها را به دیده نقد و بهره‌وری نگریسته است، اما در بیان آراء، به نگاشته‌های شرح حال نگاران بسنده نکرده و شخصاً آثار و نگاشته‌های میرداماد را مطالعه کرده و آراء و اندیشه‌های وی را عرضه کرده است. تلاش آقای بهبهانی ارجمند است و شایان توجه و کتاب وی نیز خواندنی است و سودمند. هکذا خوی علمی و فروتنی بزرگوارانه مؤلف نیز ستودنی است که در مقدمه، خوانندگان و محققان را به غور در کتاب فراخوانده و برای پیرایش کتاب از اشتباهات احتمالی نوشته‌اند: «... اگر خطایی در آن استنباط روی داده، بزرگانی که این رساله را مطالعه می‌کنند؛ بر بنده منت نهاده آگاه سازند و از لغزشهای فکری نجاتم دهند و الطاف خود را در این موارد از بنده دریغ ندارند.»

نکته آخر اینکه کتاب وی صرفاً شرح حال و آثار و گزارش از سوانح زندگانی میرداماد و شمارش استادان و شاگردان نیست، بلکه همان طور که اشاره شد، تحلیل افکار و بررسی آثار و عرضه یک زندگینامه عالمانه و هوشمندانه است که خواننده با در نگریستن به آن از خصوصیات فکری و دینی و اخلاقی میرداماد، افکار و اندیشه‌های او، سبک نگارش و زبان علمی و ادبی او، آگاه خواهند شد.

ابن بادیس و الجزایر

محمد المیلی. ترجمه حسن یوسفی اشکوری. (چاپ اول: تهران، نشر یادآور، ۱۳۷۰). ۲۴۷ص، رقعی.

عبدالحمید بن محمد المصطفی، معروف به بن

ابن بادیس و الجزایر

محمد المیلی
مترجم: حسن یوسفی اشکوری

نشر یادآور
۱۳۷۰

بادیس، از عالمان، متفکران، مصلحان و نواندیشان بزرگ الجزایری است. شخصیت علمی، فکری، روش انقلابی و تحریک و نستوهی او را مانند سید جمال الدین اسدآبادی تلقی کرده‌اند، و بسیاری جایگاه بلند او را در علوم و معارف اسلامی و چیرگیش را در مسائل اجتماعی و فرهنگی، ستوده‌اند. او فقیهی برجسته و دارای فتوا بود و در تفسیر، مکانت عظیمی داشت. بیست و پنج سال آیات الهی را بر مسلمانان فرو خواند و دلها را با معارف قرآن سیراب کرد. ستیزه‌گری، نستوهی، اقدام و ثبات، از ویژگیهای او بود و در سخنوری و نگارش و خطابه، مرتبت والایی داشت. متأسفانه در میان آثار مکتوب فارسی، تاکنون کتابی مستقل که نشانگر ابعاد گونه‌گون فکری، علمی، روحی و جهادی او باشد، منتشر نشده است. از این روی ترجمه کتاب ابن بادیس و الجزایر که بر روی هم در نمایاندن ابعاد مختلف زندگانی او سودمند است و کار آمد، اقدامی ستودنی است و باید به مترجم فاضل و سختکوش آن دست مریزاد گفت.

مترجم کتاب، آقای یوسفی اشکوری، مقدمه‌ای بر کتاب نگاشته و در ضمن آن با استناد به منابع و مصادری غیر از کتاب حاضر، درباره زندگانی، ویژگیها، مبانی و روشهای اصلاح طلبی ابن بادیس، سخن گفته و لزوم شناخت ابن بادیس و اندیشه‌های او را نمایانده است. مقدمه مؤلف، بازگو کننده چگونگی آشنایی او با ابن بادیس و کندوکاو در شرح حال و شخصیت و اندیشه‌های او است که هنرمندانه و دلپذیر به قلم آمده است.

فصل یکم از بخش اول کتاب نگاهی است گذرا به شخصیت فکری و سیاسی ابن بادیس و در فصل دوم با عنوان «ابن بادیس و هویت عربی»، به بررسی چگونگی وضع فرهنگی و سیاسی روزگار ابن بادیس پرداخته شده و

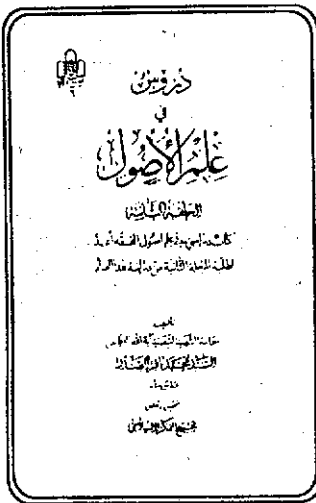
در ادامه آن از اندیشه‌های او درباره مردم، عرب، آزادی، نادرستی اندیشه استعمار و پیامدهای آن بحث شده است. در فصل بعدی با عنوان زیبا و تبه آفرین «اگر فرانسه از من بخواهد، لااله الاالله [بگویم]، نخواهم گفت»، به توجیه دقیق این شعار پرداخته و از اندیشه‌های ابن بادیس درباره وحدت ملی، زن و شخصیت ملی، و افشای تزویر گرایان سخن گفته است. آخرین فصل این بخش، گزارشی از چگونگی مبارزه پیگیر و گسترده ابن بادیس با ابعاد مختلف عقب ماندگی است. در این بخش، تجلیل و تأیید وی از مصطفی کمال (آتاتورک) و حرکت او با توجیه‌های ناموجه، شگفت می‌نماید.

بخش دوم کتاب، یکسره به عرضه مقالات ابن بادیس پرداخته شده و در ضمن فصلهایی با عناوین ابن بادیس در مقام معلم، آرمان ابن بادیس و برنامه‌های وی و... اندیشه‌های بلند او گزارش شده است. عناوین برخی از مقالات این بخش چنین است: مرد مسلمان الجزایری، مات الجزایر نمی‌میرد، دفاع از زبان عربی، مبانی ما، اهداف ما و شعار ما، برای کی زندگی کنیم؟ نژادگرایی قومی و نژادگرایی سیاسی، سیاست و سرکوب، درد دلهای شمال آفریقا چگونه مداوا می‌گردد. پیامهای سیاسی، به جهانیان ثابت کنید که لایق زندگی هستید، عرب در تاریخ و فلسطین شهید.

کتاب حاضر بر روی هم، اثری است خواندنی و سودمند. و خواننده با درنگریستن در آن، بخشی از تاریخ سیاسی جهان اسلام را باز خواهد شناخت و با یکی از چهره‌های پرشور سلسله محیبیان آشنا خواهد شد. متأسفانه فهرست تفصیلی و دقیق موضوعات، در این چاپ به چشم نمی‌خورد و امید است در چاپهای بعدی، جبران شود.

دروس فی علم الأصول
سید محمدباقر صدر.
تحقیق و تعلیق مجمع
الفکر الإسلامی.
حلقه اول و دوم،
۲۷۹+۳۷۶ص، وزیری.

پیرایش و بازسازی
متون درسی حوزه‌های
علمیه و یا بازنگاری متونی



دیگر به جای متون متداول، چندین دهه است که از سوی متفکران هوشمند و اندیشوران آگاه جوزوی مطرح شده است. با این همه، اقدامات عملی در این زمینه بسیار اندک بوده و آنچه انجام شده است، در مقابل این ضرورت جدی، چشمگیر نیست. اثر گرانقدر متفکر شهید و فقیه و اصولی مبتکر، آیت الله شهید صدر - رضوان الله علیه - با عنوان «دروس فی علم الأصول» با درک این نیاز و توجه ژرفنگرانه به اهمیت آن به قلم آمده است که اکنون از آن به عنوان «حلقات» نیز یاد می‌شود. مرحوم صدر این مجموعه را به عنوان جایگزینی از «معالم الاصول»، «قوانین»، «رسائل» و «کفایه» تدوین کرده و در مقدمه آن به تفصیل از لزوم بازنگاری آثاری به جای این نگاه‌ها، بحث کرده است. وی یادآوری می‌کند که اولاً آن کتابها که محصول مرحله‌ای از تاریخ دانش اصول است، اکنون بین محتوای آنها و کتابها و بحثهای عالی اصول، فاصله‌ای بسیار است. لذا دانش پژوه اصولی پس از خواندن این مجموعه، چون در مرحله عالی درس خارج قرار می‌گیرد، با خلای جدی روبرو می‌شود. دو دیگر اینکه مؤلفان این مجموعه، این کتابها را به عنوان متون درسی به قلم نیاورده بودند. از این روی مطالب آنها نه از نظم

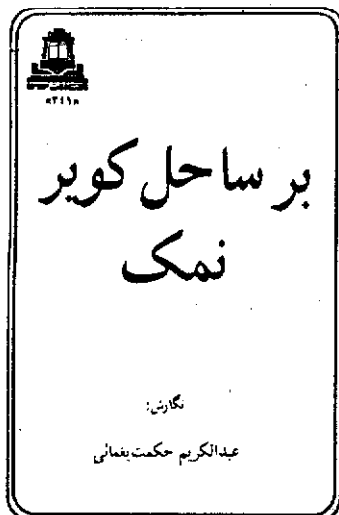
منطقی متون آموزشی برخوردار است و نه از مرحله بندی دقیق مباحث.

این نکته بسیار قابل تأمل است. بنگرید که شیخ انصاری - رضوان الله علیه - پس از آنکه اقبال حوزه را به مجموعه «رسائل» می نگرند، از میرزای شیرازی - طاب ثراه - می خواهد که آن را بپیراید و متنی منقح و سودمند برای تعلیم سامان دهد. (ر.ک: میرزای شیرازی. ترجمه هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی، ص ۳۷). همچنین محقق بزرگ سید محسن امین عاملی در ضمن شرح حال شیخ مرتضی انصاری نوشته اند: «اما مؤلفاته فمحتاجة الی التهذیب و التقیح کثیراً خصوصاً رسائله الی علیها مدار تدریس الأصول». بی گمان این وضع در بسیاری از این متون غیر قابل انکار است. از این روی این مجموعه را به عنوان متون درسی جاویدان تلقی کردن و هر گونه دست یازیدن به آنها را - چه به گونه تبدیل یا بازنگری و بازنگاری - ناروا تلقی کردن، یکسره خطاست. به گفته مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای: نمی شود گفت که ثلاثه لیس لها نهایه، رسائل و مکاسب و کفایه. یک روز رسائل نبود، یک روز مکاسب نبود؛ ولی ملایی مثل شیخ درست شد. یک روز کفایه نبود، ولی ملایی مثل آخوند درست شد. این طور خیال نکنید که حتماً از طریق این کتابها باید جلو رفت. باید عیب این کتاب را پیدا کنیم و یک کتاب بی عیب در اختیار طلاب بگذاریم. (۷۰/۷/۳) به هر حال آنچه آن شهید بزرگوار را بر این تلاش سودمند برانگیخته بود، در این مقدمه به روشنی آمده است. آنگاه کتاب در سه مرحله تدوین یافته و به سال ۱۳۹۸ قمری منتشر شده است. پس از آن به گونه افسس و با اغلاط فراوان نیز بارها منتشر شده است. اکنون مجمع اندیشه اسلامی همت ورزیده است تا مجموعه آن

را با تصحیح و تعلیق و دقت شایسته ای نشر دهد. این چاپ افزون بر مقدمه ای درازدامن و خواندنی در شرح حال، سوانح زندگانی و مبانی فکری استاد شهید و نیز تبیین و توضیح اصطلاح ویژه و ابداعی آن روانشاد در دانش اصول، از ویژگیهای ذیل برخوردار است:

۱) تصحیح اغلاط، افتادگیها و نارساییهای متن. این اغلاط، گناه دیگرگون ساز معنی بوده اند. (ر.ک: الحلقة الأولى، ص ۹۷-۹۹). استخراج مصادر احادیث و اقوال و ضبط و ثبت دقیق نشانی آنها در پانوشتها. ۳) بازنگاری برخی از عناوین و افزون سازی برخی دیگر و تعدیل و یکدست کردن آنها. ۴) در حد ضرورت افزودن جمله هایی برای وضوح متن بین کروشیه. ۵) ویرایش دقیق متن و رعایت کامل نقطه گذاری و... ۶) افزودن برخی از توضیحات و تعلیقات.

بر ساحل کویر نمک



عبدالکریم حکمت
یغمایی. (تهران،
انتشارات توس،
۱۳۷۰). ۴۹۶ ص،
وزیری.

شناسایی و
شناساندن گوشه و کنار
این مرز و بوم و تحقیق و
تفحص در فرهنگ و

آداب و تاریخ اینجا و آنجای ایران اسلامی، به همان اندازه که لازم و حتمی است، توانفرسان نیز هست. این گونه پژوهشها اگر به درستی انجام پذیرد، بی گمان نشستن در گوشه ای و کندوکاو در کتاب و کتابخانه را بر نمی تابد و

در اقتصاد و کشاورزی آن منطقه پرداخته است. بخش ششم، نگاهی دارد دقیق و هوشمندانه به فرهنگ عامیانه آن دیار که در ضمن آن از خوی و رفتار، مراسم سوگواریها و چگونگی برگزاری آنها، تعزیه خوانی، پوشاک و خوراک، باورها و گرایشها، اوزان و مقیاسها، مذهب و اندیشه‌ها، و دلمشغولیه‌ها و بازیها، بحث شده است. تنظیم کتاب جالب و دقیق است. نثر آن جذاب و دلکش می‌نماید؛ بویژه در شروع فصلها، قلم‌نویسنده حالت حماسی و شورانگیزی به خود گرفته و در بیان چگونگی خور و بیابانک، به زیبایی و دلربایی قلم زده است. چنین نگارش و نگرشی از فرزند آن دیار، با وابستگیها و پیوستگیهایی که هرکس به مرز و بومش دارد، دور نمی‌نماید. به هر حال کتاب در مجموع خواندنی است و سودمند. اما یادآوری کنم که این مجموعه سودمند، فهرست تفصیلی موضوعات را ندارد و مؤلف فقط به آوردن عناوین بسنده کرده است. افزون بر این، یاد کنم که فهرست جایها، اعلام، اصطلاحها و گویشها در آثاری از این دست، بسیار لازم است که متأسفانه کتاب از آن تهی است. همچنین بسیاری از مطالب کتاب، منابع و مآخذ را می‌طلبیده است که یاد نشده است. حروفچینی، چاپ، صحافی، تصاویر روشن و گویای آن، دقیق و چشم‌نواز است و عرضه کتاب در مجموع، مانند دیگر آثار این ناشر دیربای سختکوش، ستودنی است.

پای در دشت نهادن و دیه‌ها و آبادیه‌ها را در نور دیدن و اطلاعات حضوری را با آگاهیهای مکتوب در هم آمیختن، ضروری است. و جناب یغمایی در سامان دادن این پژوهش چنین کرده است.

در بخش اول از جغرافیای طبیعی خور و بیابانک سخن رفته دو در ضمن آن، از موقعیت جغرافیایی، دشتها، کوهها، آب و هوا، شبکه‌های آب روان و چشمه سارها سخن رفته است. در بخش دوم با عنوان «جغرافیای تاریخی»، پیشینه تاریخی این دیار گزارش شده و آثار تاریخی، مسجدها، امامزاده‌ها، خانقاهها، قلعه‌ها، گنبدها و... شناسانده شده است. در بخش سوم با عنوان «نگاهی گذرا بر تاریخ اجتماعی»، از روابط اقتصادی و اجتماعی، اعتقادات و گسترش اسلام در منطقه، حکام بیابانک و جندق (از اواخر زندیه تا شهریور ۱۳۲۰)، چگونگی تعیین حاکمها و سربازان و نظامیان، مجازات، دارالامان، مالیات و حل و فصل دعاوی، بحث شده و پس از آن، جنبش سادات پس از قتل حاج سید محمد، گزارش شده و مسائل مربوط به امنیت آن منطقه بررسی شده است. آنگاه به بررسی دوره مشروطیت پرداخته شده و مسائل مربوط به آن در آن منطقه و چگونگی انتخابات، گزارش شده است. در این فصل، از زبان، شعر و ادب در خور و بیابانک نیز سخن رفته است و شماری از ادیبان و شاعران معرفی شده‌اند. در بخش چهارم که عهده دار بررسی ویژگیهای اجتماعی این منطقه است، از آداب و رسوم مردم، چگونگی شکل‌گیری خانواده، آموزش و پرورش و تاریخچه آن، کتابخانه‌ها، مراکز درمانی و بهداشتی و آب آشامیدنی، با دقت سخن رفته است. بخش پنجم، ویژه کشاورزی است و به تأثیر پدیده‌های طبیعی، جغرافیایی و اجتماعی

